

## با اعمال فشار و سرکوب جنبش زنان متوقف نخواهد شد!

قوانین تبعیض آمیز شکل گرفت و به تدریج در سراسر کشور مطرح و مورد استقبال زنان آزادیخواه و مترقی قرار گرفت و در عین حال به تقویت پیوند میان این جنبش با جنبش های کارگری و جوانان یاری و مساعدت جدی کرد. بنابه آماري که اخيرا از سوی برخی کانون های

۲۲ خرداد سالروز آغاز فعالیت کارزار (کمپین) یک میلیون امضاء از سوی زنان مترقی و آزادیخواه کشور به اشکال مختلف برگزار و گرامی داشته شد. در ۲۲ خرداد ۱۳۸۴، بخش های بزرگی از فعالان و مبارزان جنبش زنان کشور به دنبال مدتها تلاش و رایزنی حول مطالبات مشترک، کارزار گسترده ای را آغاز کردند. کمپین ۱ میلیون امضاء با هدف تغییر

ادامه در صفحه ۳



شماره ۷۹۳، دوره هشتم  
سال بیست و دوم ۱ تیر ماه ۱۳۸۷

## مصاحبه «نامه مردم» با رفیق «سام وب» صدر حزب کمونیست آمریکا

در صفحه ۸

## دولت، مجلس هشتم و پیش نویس اصلاح قانون کار

باردیگر زمزمه چگونگی اصلاح قانون کار و ارایه پیش نویس اصلاح این قانون از سوی دولت به مجلس در لایه اخبار و گزارشات رسانه های همگانی به گوش می رسد! دولت احمدی نژاد با تشکیل مجلس هشتم و انتخاب علی لاریجانی به ریاست آن و تغییر و تحولات با اهمیت در صفت بندی نیروهای سیاسی حاکمیت، امیدوار است قبل از پایان دوره نهم ریاست جمهوری، پرونده اصلاح قانون کار را مختومه اعلام کرده و تایید نهایی آن را در راستای تامین امنیت سرمایه و مقررات زایدی به منظور پیوستن به سازمان تجارت جهانی، کسب نماید.

در آخرین ماه سال گذشته، معاون وزیر کار و امور اجتماعی طی مصاحبه ای خاطر نشان ساخته بود، پیش نویس طرح اصلاح قانون کار در هیئت دولت در دست بررسی قرار دارد و در آینده ای نزدیک احتمالاً برای تصویب نهایی به مجلس شورای اسلامی ارسال خواهد شد. بی شک این آینده نزدیک با گشایش مجلس هشتم فرارسیده و از این رو شاهد زمزمه های اخیر درباره «ضرورت» اصلاح قانون کار هستیم. هنگامیکه پیش نویس اصلاح قانون کار در هیئت دولت تحت بررسی قرار داشت، محمد جهرمی وزیر کار دولت احمدی نژاد در مصاحبه ای با خبرگزاری ایسنا (۱۵ اسفند ماه ۸۶) با حمله به مخالفان اصلاح قانون کار بسود کلان سرمایه داران گفته بود «باید برخی قوانین و مقررات دست و پاگیر را اصلاح و قوانینی همچون قانون کار و تامین اجتماعی را پویا کنیم، سیاست وزارت کار رفع موانع و تامین سرمایه گذاری است، اتفاقاً در قانون کار فعلی است که حق کارگر پایمال می شود. ...»

ادامه در صفحه ۲

## بازی با آتش

صلح و مصالح عاجل و دوردست مردم ایران و منطقه خاورمیانه است، بلکه می تواند اثرات وخامت باری برای کل منطقه و کشاندن آن به سمت درگیری های فاجعه بار نظامی جدید و گسترده بی به همراه داشته باشد. محمد البرادعی، مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی، در عکس العمل درست و حساب شده ای به این اخبار نگران کننده اعلام کرد: «به عقیده من حمله نظامی از هر کار دیگری بدتر است و این منطقه را به آتش خواهد کشید... اگر به ایران حمله نظامی شود باعث خواهد شد من نتوانم به کارم ادامه دهم.» سخنگوی دولت روسیه نیز اعلام کرد که: «تهدید به اتخاذ زور بر ضد ایران و یا تلاش برای تشدید تحریم ها خارج از چارچوب مصوبات شورای امنیت سازمان ملل می تواند مذاکرات حساس با ایران را دچار مشکل کند.» دبیر کل سازمان ملل، «یان کی مون»، نیز اعلام کرد: «ما تلاش داریم بتوانیم پرونده هسته ای ایران را از راه مسالمت آمیز و گفت و گو و به دور از سخنان تحریک آمیز حل و فصل بکنیم.»

مسئله تشنج و خطر درگیری های جدید نظامی در منطقه خاورمیانه و تهدیدات کشورهای امپریالیستی و دولت اسرائیل برای حمله نظامی به ایران

نشریه نیویورک تایمز روز جمعه ۳۱ خرداد ماه (۲۰ ژوئن) خبر مانور هوایی گسترده دولت اسرائیل را بر فراز مدیترانه شرقی و به منظور تمرین سوختگیری و بمباران اهداف دور دست، منتشر کرد. به گزارش این روزنامه هدف اصلی این عملیات تمرین برای بمباران تاسیسات هسته ای ایران بوده است. دیگر رسانه های گروهی آمریکا و اروپا نیز در گزارش های روزهای اخیر خود با تأیید خبر این مانور، که با هماهنگی ناوگان دریایی دولت آمریکا در منطقه صورت گرفته است، به بررسی ابعاد گوناگون سیاست دولت اسرائیل در مقابله با سیاست های هسته ای ایران و عواقب آن پرداختند.

در کنار خبر این مانور گسترده نظامی که با شرکت ۱۰۰ جنگنده اسرائیلی صورت گرفت اظهارات هفته های اخیر «سائول موفاز»، معاون نخست وزیر، و وزیر دفاع پیشین اسرائیل درباره چگونگی برخورد با «خطر برنامه هسته ای ایران» نیز قابل تأمل است. «موفاز» در مصاحبه مطبوعاتی که با عکس العمل گسترده و شدیداً منفی محافل دیپلماتیک رو به رو شد از جمله گفت: «برای متوقف کردن برنامه های اتمی ایران، راهی جز حمله نظامی به این کشور باقی نمانده است.» روشن است که تهاجم نظامی به ایران، با هر هدف، و با هر بهانه ای نه تنها بر ضد

ادامه در صفحه ۶

## با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه!»

## ادامه دولت، مجلس و اصلاح ...

به این ترتیب وزیر کار محتوی و مضمون پیش نویس اصلاح قانون کار را روشن ساخت. به دنبال این موضعگیری، با تشکیل کارگروه تحول اقتصادی که وزیر کار از اعضای با نفوذ آن به شمار می آید. اصلاح قانون کار نیز در چارچوب این نهاد طرح و اصلاح آن برپایه ضرورت‌های ابلاغیه اصل ۴۴ مورد تأکید قرار گرفت. بنابر این طرح دوباره لزوم اصلاح قانون کار همزمان با تشکیل مجلس هشتم و ریاست مهره شناخته شده ارتجاع یعنی علی لاریجانی بر آن تصادفی نیست و نمی تواند باشد. مروری کوتاه بر مضمون پیش نویس اصلاح کار توسط دولت احمدی نژاد به نوبه خود حاکی از آن است که دیدگاه و نظرات جریان‌های نظیر هیئت های مؤتلفه و عسکر اولادی ها و لاریجانی ها و نظایر آن با دقت در این پیش نویس مورد تأکید و پشتیبانی قرار گرفته است. به علاوه پیش نویس مذکور در هماهنگی با نظرات و پیشنهادهای اتاق بازرگانی و افرادی چون نهاداندیان تنظیم شده و اگر تأکید کنیم که درحقیقت این پیش نویس دست پخت مشترک وزارت کار و اتاق بازرگانی است، ادعای بی پایه ای را طرح نکرده ایم! در پیش نویس اصلاح قانون کار ۳ نکته اساسی وجود دارد، نخست اینکه وزارت کار با دغدغه بهبود وضع کارگران قراردادی موقت و ساماندهی به این نوع قراردادهای ناعادلانه، پیشنهاد گنجاندن ۲ تبصره جدید به ماده ۷ قانون کار را ارائه داده است که مطابق با آن درست برخلاف مدعیات پوچ ارتجاع حاکم، قراردادهای موقت جامعه قانون به تن کرده و به "اصلی ترین" و قانونی ترین "نوع قرارداد میان کارگر و کارفرما بدل می شوند. دوم اینکه در پیشنهاد اصلاح ماده ۲ قانون کار، ۲ بند به این ماده افزوده می شود که بر اساس آن کارفرمایان می توانند کارگران خود را تحت عنوان کاهش تولید و کاهش توان جسمی کارگر به راحتی اخراج کنند. این دو بند به شکل آشکاری ماده ۲۱ قانون کار را با ایجاد قابلیت تفسیرپذیری به نفع کارفرما تغییر می دهد و مسایلی چون حق بازنشستگی، بیمه درمانی و غیره را برای کارگر دور از دسترس می سازد.

اما نکته سوم یعنی اصلاح ماده ۲۷، به معنای احیای ماده ۳۳ قانون کار و تأمین اجتماعی رژیم سرنگون شده سلطنتی است که طی آن به کارفرمایان به لحاظ "قانونی" حق اخراج کارگر داده می شود، در ماده ۲۷ فعلی قانون کار آمده است: "هر گاه کارگر در انجام وظایف محوله قصور ورزد یا آیین نامه های انضباطی کارگاه را پس از تذکرات رسمی، نقض کند کارفرما حق دارد در صورت اعلام نظر مثبت شورای اسلامی کار... قرارداد را فسخ کند". این ماده با وجود کمیودهای جدی از جمله منوط ساختن اخراج کارگر به نظر مثبت شورای اسلامی کار و جز اینها، دامنه اختیار کارفرما برای اخراج را کوتاه کرده ولی در پیش نویس اصلاحی دولت و اتاق بازرگانی، کارفرما تنها با صلاحدید شخصی خود بدون اینکه سندیکاهای کارگری و تشکل های صنفی مستقل کوچکترین نقشی داشته باشند، می تواند کارگر را اخراج و از پرداخت مزایا به او سرباز زند! علاوه بر این سه نکته مهم و اساسی، در پیش نویس اصلاحی محدودیت سنی به کارگیری کارگران به عنوان کارآموز حذف شده و برپایه آن کارفرمایان به راحتی می توانند قانون کار را به کناری گذاشته و نیروی کار جدیدشان را در هر سنی به عنوان کارآموز استخدام کنند و تنها بخش ناچیزی از حقوق اولیه یک کارگر کامل را به او پرداخت کنند و پس از آن به عنوان پایان دوره آموزشی، کارآموز را اخراج کنند، بدون اینکه مزایایی به او تعلق بگیرد! پیش نویس اصلاحیه قانون کار با مقوله نامه های ۸۷ و ۹۸ سازمان بین المللی کار، که ناظر بر حق آزادی فعالیت سندیکایی کارگران و مذاکرات دسته جمعی و عقد پیمان های جمعی کار است، در مغایرت قرار دارد و اصول مشهور حقوق سندیکایی مصوبه فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری را نیز به شکلی خشن پایمال می سازد. بطور کلی این پیش نویس با حقوق بنیادین کار که در هر شرایطی برای کارگران یک کشور لازم الاجرا است، متفاوت و بسیار مغایر است. حال چنین پیش نویسی به پشت گرمی صف بندی های جدید در حاکمیت و تعامل دولت و مجلس هشتم پاریدگر طرح و تصویب آن خواسته می شود. سرمایه بزرگ تجاری و متحدان آن در حاکمیت لحظه کنونی را برای وارد ساختن ضربه جدی به حقوق و منافع طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان مناسب ارزیابی می کنند. بخش مهمی از تعامل دولت و مجلس هشتم که پیرامون آن از سوی ارتجاع حاکم تبلیغات پرسرو صدایی به راه افتاده در خصوص اینگونه مسایل است. جناح های گوناگون ارتجاع حاکم از جمله باندهای هوادار دولت و مدافعان علی لاریجانی ضمن اینکه بر سر مسایلی مهم دارای اختلاف نظر و سلیقه هستند ولی در زمینه یورش به منافع زحمتکشان همراه و هم نظر و هم عقیده می باشند اصلاح قانون کار از زمره آن مواردی است که این باندها بروی آن توافق و هماهنگی دارند.

## مهاجرت دهقانان و انحطاط کشاورزی

همزمان با بحث مربوط به خشکسالی و اثرات زیانبار آن بر روستاهای کشور، سازمان جهانی خوارو پار و کشاورزی در گزارشی تحت عنوان "وضعیت غذایی و کشاورزی" به بررسی سطح زمین های قابل کشت جهان پرداخت و در خصوص ایران اعلام داشت، سطح زمین های قابل کشت ایران طی ۱۰ سال اخیر به شکل نگران کننده کاهش یافته است. خبرگزاری فارس ۵ خرداد ماه با انتشار این گزارش نظر سازمان جهانی خوارو پار و کشاورزی (فائو) را چنین بازتاب داد: "در حالی که در سال ۱۹۹۰ میلادی، ۱۹/۱۵ میلیون هکتار زمین قابل کشت در ایران وجود داشت، این رقم در سال ۲۰۰۰ میلادی به ۱۴/۳۲۴ میلیون هکتار کاهش یافته است بدین ترتیب طی یک دهه ۶ درصد از سطح زمین های قابل کشت در ایران کاسته شده است که این خود زنگ خطری برای بخش کشاورزی ایران و هشداری به مسئولان این بخش محسوب می شود، در گزارش فائو سطح مراتع ایران نیز ۴۴ هزار هکتار اعلام شده است."

به دنبال این گزارش بسیار نگران کننده، رییس موسسه پژوهش های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی در گفتگو با خبرنگاری مهر ۷ خرداد ماه تأکید کرد: "نبود کانال های انتقال آب درسد های کشور منجر به بلااستفاده شدن حدود ۲ میلیون هکتار از اراضی کشاورزی شده است" این مقام مسئول با صراحت از عدم تأمین اعتبارات ضرور مالی برای بخش کشاورزی انتقاد کرده و ادامه این وضع را انحطاط کشاورزی کشور ارزیابی کرد! به علاوه، وزیر کارو امور اجتماعی دولت احمدی نژاد در جریان پانزدهمین نمایشگاه بین المللی صنایع کشاورزی، مواد غذایی، ماشین آلات و صنایع وابسته با اشاره به وضعیت کنونی تولیدات کشاورزی معترف شد که: "نیاز کشور برای حفظ تولید موجود در صنایع و کشاورزی رقمی معادل ۶۰ هزار میلیارد ریال است، همچنین خالی نشدن روستاها منوط به ایجاد درآمد است."

به این ترتیب و با مقایسه گزارش سازمان جهانی خواروپار و کشاورزی و اظهارات دو مقام ارشد جمهوری اسلامی می توان نتیجه گرفت، بخش کشاورزی با مشکلات فراوان و به ویژه نبود اعتبارات مالی ضرور روبرو است و به همین دلیل روستاهای کشور به علت فقر دهقانان در حال خالی شدن است. چندی پیش رسانه های همگانی از کاهش درآمد واقفایش هزینه خانوارهای روستایی گزارشات متعدد را منتشر ساختند که در آنها تأکید می شود، هزینه خانوارهای روستایی در ۷ سال گذشته رشد قابل توجهی داشته که بیشترین بخش این رشد از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵ صورت پذیرفته و مربوط به هزینه خوراک، پوشاک، مسکن و حمل و نقل بوده و طی همین سال ها درآمد روستاییان به هیچوجه مطابق با هزینه های فوق رشد نکرده است!

نتیجه و پیامد کاهش درآمد روستاییان و یا به بیان دقیق تر فقر رو به گسترش در روستاهای ایران سیل مهاجرت به سوی حاشیه شهرهای بزرگ نظیر تهران، اصفهان، تبریز و مشهد است. روزنامه اعتماد در سال گذشته به تاریخ ۲۵ آذر ماه (۱۳۸۶) درمطلبی درباره این مهاجرت گسترده آماری به شرح زیر ارائه داد: "زندگی روستایی در ایران کم کم روبه فراموشی می رود. در سال ۱۳۷۵، ۶۸ هزار آبادی درسراسر کشور سرشماری شده اند. این آمار در سال ۱۳۸۵ به ۶۳ هزار آبادی تنزل پیدا کرده است. مقایسه این آمار خبر از تخلیه کامل ۵ هزار روستا در طول این سالها می دهد، خبری که هشدار دهنده است!"

آنچه موجب رشد و گسترش فقر در روستاها و انحطاط کشاورزی میهن ما می شود، برنامه های اقتصادی-اجتماعی رژیم ولایت فقیه است، این برنامه ها در زمان دولت هاشمی رفسنجانی برپایه نسخه های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی به مورد اجرا گذاشته شد و تا امروز، نابودی صنایع تولیدی در بخش راهبردی صنعت و کشاورزی را به دنبال داشته است. براساس این برنامه ها به موازات حمایت از کلان سرمایه داران، زمین داران بزرگ نیز در پیوند با بنیادهای انگلی همچون بنیادهای مستضعفان، آستان قدس رضوی و غدیر (بنیاد غدیر با ریاست لاریجانی بر مجلس هشتم یک فراقسیون به نام غدیر در مجلس تشکیل داده است)، از حمایت و پشتیبانی همه جانبه رژیم برخوردار شده و با کمک ارگان هایی نظیر سپاه و وزارت جهاد کشاورزی به تصاحب زمین های مرغوب مبادرت کرده و موقعیت اقتصادی و

## ادامه جنبش زنان با ...



ISNA

ISNA/PHOTO:AMIR KHOLOOSI

## ادامه مصاحبه "نامه مردم" ...

ما امیدواریم ما که دولت او بر دیپلماسی مستقیم و حل و فصل مناقشات بدون کاربرد زور تأکید کند. ولی اینکه آیا چنین راهکاری آسان خواهد بود، باید گفت الزاماً خیر.

در عین حال که میلیون ها آمریکایی از راه حل عادلانه "دو دولت" برای بحران اسرائیل - فلسطین، از پایان دادن به اشغال عراق، و از برقراری روابط دیپلماتیک بین دو کشور ما (و نه جنگ) حمایت می کنند، و با وجود آنکه اوباما بر دیپلماسی، گفتگو و همکاری تأکید کرده است، اما این هم هست که امپریالیسم آمریکا، و به ویژه مجتمع های صنایع انرژی و نظامی، دست از طرح های سلطه جویانه خود برای تسلط بر کل منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی برنداشته اند و نمی دارند. امپریالیسم را قطعاً می توان مجبور به عقب نشینی کرد، اما باید به یاد داشت که منطق ساختاری آن توسعه طلبی، برتری طلبی و به کار گیری نیروی نظامی است.

**س. بحران ژرف و ساختاری نظام سرمایه داری جهانی مردم عادی آمریکا را در وضعیت اقتصادی دشوار و دردناکی قرار داده است. آیا اوباما خواهد توانست، یا در واقع آمادگی آن را دارد که ریشه های نولیبرالی این معضل را به چالش بکشد؟**

ج. نولیبرالیسم در ایالات متحد آمریکا در پوسته سیاسی راست افراطی پیچیده شده است که گذشته از همه مردم دنیا، به ویژه برای طبقه کارگر، ملیت ها و نژادهای تحت ستم، زنان، جوانان و شهروندان ارشد خود آمریکا توان فرسا و پر عذاب بوده است. نولیبرالیسم، همچنین، یک عدم موازنه تجاری عظیم، بدهکاری های نجومی، بی ثباتی مالی، و دلاری شکننده را در اقتصاد کشور از خود به جای گذاشته است. همین چند ماه پیش بود که سقوط بازار خرید و فروش مسکن با نرخ وام هایی زیر نرخ بهره پایه، تقریباً موجب فروپاشی بازارهای مالی آمریکا و جهان شد. فروپاشی این بازارها می تواند پیامدهای فاجعه باری در سطح جهان به بار آورد. نتیجه این که اکنون ائتلاف گسترده ای از نیروها برای واکنش در برابر زیان بارترین مشخصه های سیاست های نولیبرالی در شرف شکل گیری است. به احتمال زیاد، یک دولت اوبامایی به این جنبش توجه نشان خواهد داد.

**س. به نظر می رسد که زیانبارترین و بدترین تصمیم ها و سیاست های جورج بوش آنها بی بودند که متأثر از تعصب مذهبی او بودند. باورهای مذهبی اوباما چه تأثیری در سیاست های داخلی و خارجی دولتی به رهبری اوباما خواهند داشت؟**

ج. در این مورد، با فرض آنکه اوباما وارد کاخ سفید شود، می توان انتظار یک تغییر بنیادی را داشت. اوباما در ضمن اینکه مردی با معتقدات دینی است، اما به نظر نمی آید که دولت او از مذهب برای مقاصد ارتجاعی بهره برداری کند، بر خلاف دولت بوش که استاد این کار بوده است. تقریباً ۸ سال طول کشید، ولی امروز میلیون ها نفر معتقدند که "پدران بنیانگذار" ما حق داشتند وقتی که بر نهادها و سیاست های عام غیرمذهبی (سکولار) تأکید داشتند که ریشه و زمینه در واقعیت دارند، نه در اعتقادات دینی.

**س. رفیق سام، شما به عنوان رهبر یک نیروی مترقی و ضدجنگ در آمریکا، برای مردم ایران، برای رزمندگان کارزار صلح و دموکراسی در ایران، و برای خوانندگان نامه مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران، چه پیامی دارید؟**

ج. ما در حزب کمونیست آمریکا نهایت همبستگی و تحسین خود را نسبت به حزب توده ایران و ارگان آن نامه مردم اعلام می کنیم. ما به طور کامل از مبارزه شما و مردم ایران در راه صلح و دموکراسی پشتیبانی می کنیم. افزون بر این، ما به مخالفت خود با هر گونه اقدام نظامی توسط دولت بوش برضد کشور شما ادامه می دهیم.

مستقل صنفی زنان در تهران انتشار یافته، رژیم ولایت فقیه طی چندین سال اخیر فشار خود به جنبش زنان را تشدید کرده و همین امر سبب گردید تاکنون فعالان این جنبش بتوان (از ۲۲ خرداد ۱۳۸۵ به اینسو) "نزدیک به ۱۵۶ بار بازداشت و نزدیک به ۱ میلیارد و ۶۰ میلیون تومان وثیقه و کفالت گذاشته اند و در مجموع ۳۰ سال حبس (۲۰ سال تعلیقی و ۹ و نیم سال حبس قطعی) برای آنها صادر شده است." صدور احکام شلاق، احضار دختران دانشجو به کمیته های انضباطی و احکام تعلیق از تحصیل برای آنها و تهدید های مکرر خانواده های این فعالان را باید به آمار و لیست منتشره افزود. بعلاوه برپایه آمار خبرگزاری فارس وابسته به ارتجاع حاکم در سطح کشور به بهانه طرح ارتقا امنیت اجتماعی هزاران زن و دختر مورد تعرض و خشونت قرار گرفته اند. در چارچوب این طرح فقط ظرف چند هفته ۱۹۸۰ نفر از زنان به عنوان "بی حجاب" دستگیر شده و مورد آزار اذیت قرار گرفته اند. همه این آمار نشانگر هراس ارتجاع حاکم از رشد و گسترش جنبش حق طلبانه زنان میهن ماست.

سالروز آغاز فعالیت کارزار یک میلیون امضاء فرصت مناسب برای انسجام صفوف یکپارچه زنان کشور در مبارزه با رژیم ارتجاعی و قرون وسطایی ولایت فقیه و قوانین غیر انسانی و زن ستیز آن است. جلب و جذب هر چه بیشتر زنان طبقات محروم و زحمتکش جامعه و تحکیم پیوند با جنبش کارگری و جوانان، جنبش زنان را در مصاف با ارتجاع حاکم و فشارهای فزاینده تقویت کرده و به توان و کارایی آن به نحوی موثر کمک می کند.

حزب توده ایران حمایت قاطع خود از مبارزات به حق زنان، با هدف رفع تبعیض جنسی و طبقاتی در سالروز ۲۲ خرداد و آغاز فعالیت کارزار ۱ میلیون امضاء اعلام کرده و در راستای تقویت و تحکیم این جنبش همچون گذشته پیگیرانه مبارزه کرده و می کند!

**آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!**

با خواست جوانان و منطق با دستاوردهای علمی و تربیتی مترقی و مردمی! بعلاوه اعمال فشارهای اجتماعی به جوانان نظیر طرح امنیت اجتماعی و غیره، زندگی عادی یک جوان را مختل و انگیزه و زمینه های رواج انواع انحرافات اخلاقی و رفتاری و روانی تا رواج جرایم و بزهکاری را فراهم می آورد. برنامه های فرهنگی و اجتماعی رژیم شادی و شادمانی و تفریح را از جوانان سلب و موجب پیدایش ناهنجاری های حیرت انگیز و فاجعه بار در کشور شده است!

بنابر این، رشد جرایم در تابستان و ایام تعطیلات مدارس و مراکز آموزشی به هیچوجه غیر واقع بینانه نیست. سیاست جمهوری اسلامی در قبال نسل جوان میهن ما، سیاستی ضد ملی، ضد انسانی و فوق العاده فاجعه بار است. ارتجاع به این ترتیب آینده میهن ما را به سوی تاریکی و فاجعه هدایت می کند!

### این زنان ستم دیده



انتشار گزارشی راجع به زندگی دردناک کپر نشینان استان کرمان که اغلب آنان را زنان تشکیل می دهند، توجه ویژه و حمایت جدی از منافع و حقوق زنان طبقات محروم جامعه را برجسته ساخت! روزنامه سرمایه در گزارشی از وجود ۶۰ هزار کپر نشین در کرمان خبر داده و در باره زندگی آنها نوشت: "تاکنون ۴۰ هزار کپر و ۶۰ هزار کپر نشین در جنوب استان کرمان شناسایی شده است، کپر نشینانی که ۸ سال خشکسالی حاصلی جز فقر و گرسنگی برایشان نداشته و علاوه بر فقر با آسیب های دیگری هم دست و پنجه نرم می کنند. اعتیاد و آمار بالای زنانی که همسرانشان بدون طلاق آن ها را رها کرده اند و تعداد زیاد کودکان بدون شناسنامه، معلولیت های بسیاری که ناشی از ازدواج های فامیلی و عدم بهره مندی از مشاوره ژنتیکی پیش از ازدواج بوده، در این منطقه بسیار رواج دارد."

در این گزارش مسئولان سازمان بهزیستی با صراحت اعلام می کنند از توجه به مسایل این منطقه و معضلات این مردم به ویژه زنان غفلت شده است. یکی از کارشناسان سازمان بهزیستی به خبرنگار یادآور می شود: "پس از بازدید از منطقه، متوجه می شویم مساله چقدر عمیق است." در میان کپر نشینان وضعیت زنان فاجعه بار است، در گزارش مذکور آمده است: "یکی از آسیب های منطقه جنوب کرمان طلاق های ثبت نشده در این منطقه است. بطوریکه با افزایش فقر و ۸ سال خشکسالی مرد خانواده که چند زن و تعداد زیادی فرزند دارد یکبار همه را رها کرده و از خانواده جدا می شود، برای تحت پوشش قراردادن این زنان در بهزیستی نیاز به طلاق نامه است اما از آنجا که طلاق نامه ای وجود ندارد نمی توان به این زنان کمک کرد حتی زمانی که مددکار و مددجو درخواست طلاق نامه از زنان می کنند، با تعجب آنها روبرو می شوند، پس از طلاق های بی قاعده، شبه ازدواج های غیر رسمی و مشکل کودکان بی سرپرست وجود دارد."

سپس در ادامه درباره زندگی این زنان نگون بخت خاطر نشان می شود: "اغلب زنان این منطقه و کپر نشین در زمین های کشاورزی مالکان کار می کنند و گرمای هوای منطقه شهداد که به گفته بخشدار این منطقه در تابستان به ۶۶ درجه هم می رسد مانع از کار آن ها نمی شود. زن ۳۰ ساله ای که از همسرش جدا شده و طلاق نامه ندارد و با ۴ فرزندش زندگی می کند، یکی از این کارگران کشاورزی است، او با چهره آفتاب سوخته اش، یک اتاق نیم ساخته ای را نشان می دهد، این اتاق را



### پیامد برنامه های قرون وسطایی برای نوجوانان و جوانان

با فرارسیدن گرمای تابستان و آغاز تعطیلات، میلیون ها خانواده ایرانی با این پرسش رو در رو می شوند که، چگونه باید تعطیلات نوجوانان و جوانان را برگزار و برنامه های شادی بخش و آموزنده برای آنان تدارک دید. نگرانی خانواده ها از بی برنامهگی تعطیلات تابستانی و گذران این اوقات برای جوانان در اوضاع نابسامان اجتماعی - فرهنگی کشور بی دلیل نبوده و نیست.

خبرگزاری مهر ۱۰ خرداد ماه امسال در گزارشی کوتاهی نسبت به افزایش جرایم نوجوانان در تابستان هشدار داد و از جمله نوشت: "متخصصان علوم رفتاری آسیب شناسی اجتماعی اعلام می دارند. با توجه به تعطیلی مدارس و گرمای هوا باید فکر برنامه های اوقات فراغت جوانان نه در حرف و شعار باشیم، پیش بینی می شود با نظر به اینکه مدیریت اوقات فراغت به طور علمی و کارآمد نیست، جرائم کودکان، نوجوانان و جوانان طی تابستان حداقل ۱۰ تا ۱۲ درصد افزایش یابد."

سپس این کارشناس علوم رفتاری اضافه می کند: "در شرایط حاضر کمبود وسایل رفاهی و تفریح سالم در سطح جامعه باعث بروز انحرافات رفتاری در جوانان شده و موجب گردیده تا نوجوانان و جوانان برای تخلیه انرژی و گذران اوقات فراغت خود به سمت اعمال خلاف سوق پیدا کنند... مدیریت اوقات فراغت جوانان و نوجوانان از نبود برنامه علمی و کارشناسانه رنج می برد..."

نوجوانان و جوانان کشور گرفتار دیدگاه های واپس گرایانه و قرون وسطایی بسیار زیانبخش هستند و افزایش آمار جرایم در میان آنها در درجه نخست به علت برنامه های رژیم ولایت فقیه در عرصه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی است. سالیانه میلیارد ها ریال به نام برنامه های اوقات فراغت جوانان هزینه می شود، این مبالغ هنگفت به جای ایجاد تسهیلات رفاهی، آموزشی و تفریحی در خدمت جوانان، صرف ترتیب دادن اردوهای بسیج، بنیاد غدیر و سازمان به اصطلاح ملی جوانان (این سازمان بطور عمده زیر مجموعه کمیته امداد خمینی و معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش است) می شود که طی آنان نه از تفریح سالم و شادی بخش خبری است، نه از برنامه های آموزشی متناسب

ادامه نگاهی به رویدادهای ...

بهزیستی ساخته اما همین طور نیمه کاره مانده است جایی برای حمام نداریم، زمانی که دخترم می خواهد حمام کند، چادرم را به دور او می گیرم. پسر بزرگ او هم پس از خواندن کلاس اول راهنمایی به دلیل فقر خانواده ترک تحصیل کرده است، او می گوید وقتی نمی توانم یک دمپایی برای بچه هایم بخرم چطور آن ها را به مدرسه بفرستم.

چنین است وضعیت زندگی مردمی فقیر و زنانی ستم دیده که حتی قادر به تهیه ابتدایی ترین مایحتاج زندگی خود و خانواده هایشان نیستند. این زنان محروم از سستی چند گانه رنج می برند و هیچ ارگان و نهاد حکومتی نیز پاسخگوی آنها نیست. وضعیت زنان محروم مناطق جنوب استان کرمان و کپرنشینان میزان عدالت محوری ارتجاع حاکم را به خوبی نشان می دهد.

آیا این مردم و این زنان ستم دیده نباید از ثروت و درآمدهای کشور بهره مند شوند؟ عملکرد رژیم ولایت فقیه باتلاقی از فقر پدید آورده که مردم میهن ما در آن گرفتار آمده اند.

بذل و بخشش برای چیست؟!

همزمان با افزایش بهای نفت در بازارهای جهانی، شماری از کشورهای اروپایی و ایالات متحده آمریکا از تأثیرات این افزایش قیمت ابراز نگرانی کرده و فعالیت های گسترده ای را برای مهار آن سازمان دارند. اعمال فشار به سازمان کشورهای تولید کننده نفت (اوپک)، تهدید برخی کشورهای صادر کننده نفت و رفت و آمدهای دیپلماتیک از جمله تلاش های انجام گرفته است. نقش محوری را در این میان کاخ سفید بردوش عربستان سعودی به عنوان یکی از تولید کنندگان عمده نفت گذارده است. پس از دیدار اخیر جورج بوش از عربستان سعودی، مساله مهار بهای نفت و کاهش سقف تولید اوپک وارد مرحله ای تازه گشت. با توصیه کاخ سفید، عربستان سعودی اعلام داشت برای تنظیم بازار جهانی نفت و در واکنش به نفت هر بشکه ۱۳۵ دلار، تا اطلاع ثانوی نفت سنگین خود را با تخفیف کلی که در سال ای اخیر بی سابقه بوده، به فروش خواهد رساند. به دنبال عربستان سعودی، شیخ نشین کویت نیز در هماهنگی با برنامه های آمریکا که موجب تفرقه در صفوف کشورهای تولید کننده نفت (اوپک) خواهد شد، برای نفت سنگین صادراتی خود تخفیف بزرگی را قایل شد. جمهوری اسلامی نیز در کنار عربستان سعودی و کویت بطور رسمی اعلام داشت از این پس نفت سنگین صادراتی ایران با تخفیف کلی که در ۹ سال اخیر بی سابقه است به فروش خواهد رسید. روزنامه کارگزاران ۲۵ خرداد ماه در این باره نوشت: "تخفیف بی سابقه ایران در فروش نفت خام، سه کشور ایران، عربستان و کویت... نفت سنگین خود را با تخفیف کلی به فروش خواهند رساند به خیرگزارش روبرتزو، ایران و کویت در راستای موافقت با تصمیم دولت عربستان سعودی مبنی برارایه تخفیف در قیمت نفت سنگین اعلام کردند که در نظر دارند نفت سنگین خود را با تخفیفی به فروش برسانند که در ۹ سال اخیر بی سابقه بوده است. دولت عربستان سعودی طی هفته گذشته اعلام کرده بود که ۳۵ سنت به میزان تخفیف هر بشکه نفت خام خود افزوده است و از این پس هر بشکه نفت خام سنگین خود را ۳ دلار و هفت سنت کمتر از قیمت پایه در عمان و دوبی به فروش می رساند، مقامات وزارت نفت کویت نیز میزان تخفیف ارایه شده برای نفت سنگین خود را حدود ۴۰ سنت در هر بشکه افزایش داد که این رقم ۴ دلار و ۲ سنت پایین تر از قیمت پایه عمان و دوبی گزارش شد. ..."

جمهوری اسلامی در شرایطی تن به هماهنگی با تصمیم عربستان سعودی می دهد که به دلیل بحران شدید اقتصادی به درآمدهای حاصل از فروش نفت وابسته است. پرسش اینجاست آیا کشورهای اتحادیه اروپا که عمده ترین خریداران نفت سنگین هستند، بنزین صادراتی به ایران و یا دیگر کالاهای صادراتی به کشور ما را شامل تخفیف ویژه و بی سابقه می کنند؟ چرا باید نفت سنگین ایران با تخفیف بی سابقه به فروش برسد و در مقابل کالاهای غربی بدون تخفیف و یا حتی گران تر از نرخ واقعی به کشور وارد شود؟ چنین سیاستی به سود کدام طرف این معامله است؟ واصولا این بذل و بخشش به چه معناست؟

طرح احداث بزرگترین واحد تولید فولاد کشور متوقف شد!

بخش صنعتی ایران بدترین و سخت ترین دوران خود را طی می کند. آزادسازی اقتصادی و به اصطلاح رقابتی کردن اقتصاد، بیشترین صدمه را به بخش صنعت و تولیدات صنعتی وارد ساخته است.

سیاست دولت احمدی نژاد که اینک با حمایت علی لاریجانی و باندهای هودار او در مجلس هشتم همراه است، مبنی بر کاهش تعرفه های گمرکی سبب فروپاشی بنیه تولیدی کشور گردیده، اینک دستور کار ارتجاع در عرصه اقتصادی برای سال جاری رقابتی کردن اقتصاد "با هدف وارد کردن کالاهای خارجی" به کشور است که با مخالفت شدید و جدی تولید کنندگان و صنعتگران داخلی روبرو شده است.

روزنامه سرمایه در این باره طی گزارشی با عنوان "سال سخت صنعت" از جمله نوشت: "سال ۱۳۸۷ سال سختی برای تولید کننده داخلی خواهد بود، چه در بازار داخلی چه در بازار خارجی. صنایعی چون صنایع بهداشتی و آرایشی، صنایع دارویی، لوازم خانگی، صنایع الکترونیک، نساجی و فولاد، تولید قطعات خودرو با مشکلات جدی روبرو خواهند بود.

نتیجه سیاست کاهش تعرفه ها این است که کالاهای خارجی با قیمت ارزان تر در اختیار مصرف کننده داخلی قرار می گیرد و رقابت تولید کننده در بازار داخلی سخت و دشوار می شود؛ این دقیقا همان چیزی است که امپریالیسم جهانی از برنامه مقررات زدایی و حذف یارانه ها در کشورهای نظیر ایران انتظار دارد. به موازات حذف یارانه ها در بخش صنعت، رسانه های همگانی در اوایل اردیبهشت ماه امسال رسماً اعلام داشتند، طرح احداث بزرگترین مجتمع فولاد ایران در استان خوزستان متوقف گردیده. روزنامه سرمایه در این باره گزارش داد: "یک ماه پس از کلنگ زنی طرح فولاد خرمشهر در استان خوزستان، اجرای این طرح متوقف شد، مسئول پشتیبانی و پیگیری طرح فولاد سازی خرمشهر گفت هم اینک با صرف هزینه ۴ میلیارد تومانی، این پروژه در مرحله آماده سازی زمین مورد نیاز و قطعات کارخانه به صورت رسمی تعطیل شد. گفته می شود دولت قصد ندارد در این طرح سرمایه گذاری کند و به همین دلیل طرح متوقف شده، بر اساس شواهد، عواملی وجود دارد تا پروژه فولاد خرمشهر ادامه نیابد. اجرای این پروژه با مخالفت برخی افراد خاص روبه رو شده است."

در گزارش رسمی مطبوعات کشور این افراد خاص معرفی نمی شوند ولی چندی پیش روزنامه دنیای اقتصاد از مخالفت بنیاد غدیر با برخی طرح های صنعتی در استان خوزستان گزارشی را منتشر ساخته بود. لازم به تذکر است که بنیاد غدیر هم اینک با حضور علی لاریجانی در هیئت رییس مجلس و رییس قوه مقننه یک فراکسیون با نفوذ در مجلس تشکیل داده است. برخی مقامات مذهبی مانند آیت الله خزعلی، آیت الله یزدی و حجت الاسلام لاریجانی عضو شورای نگهبان (برادر علی لاریجانی) از گردانندگان این بنیاد انگلی و غارتگر هستند. همین بنیاد با کمک سازمان خصوصی سازی درصدد سرمایه گذاری در بورس دوبی است، ویکی از دلایل مخالفت آنها با طرح احداث مجتمع بزرگ فولاد سازی خرمشهر این سرمایه گذاری ذکر گردیده است.

فولاد سازی خرمشهر در صورت احداث می توانست تولید فولاد و ورقه های فولادی در کشور را افزایش داده و صنایعی چون واگن سازی پارس، لوکوموتیوسازی، کشتی سازی خلیج فارس و تولید لوله و نورد را تقویت کرده و توسعه دهد.

ولی نمایندگان سیاسی سرمایه بزرگ تجاری و متحدان آن در حاکمیت مانع این امر مهم و با اهمیت شده و چنین طرح بزرگ و سود آور و استراتژیکی را متوقف ساختند!

## ادامه بازی با آتش ...

موضوعی است که در ماه‌های اخیر، و خصوصاً با نزدیک شدن دولت بوش به انتهای دوران ریاست جمهوری اش، مورد بحث و بررسی جدی دولت‌های اروپایی و همچنین نامزدهای ریاست جمهوری آینده آمریکا بوده است.

حزب توده ایران در پی روی کار آمدن دولت احمدی نژاد و تشدید تشنج سیاسی در منطقه، خصوصاً درباره برنامه هسته ای ایران، همواره ضمن محکوم کردن سیاست‌های نابخردانه، که اگر چه زیر پوشش شعار های تند و تیز ارائه می‌گردد، در انتها تنها آب به آسیاب سیاست‌های امپریالیسم آمریکا در منطقه می‌ریزد، همواره بر حل اختلافات از طریق صلح آمیز تأکید کرده است. ما در عین حال بار دیگر تأکید می‌کنیم که حق مسلم ایران و دیگر کشورهای منطقه در بهره‌وری صلح آمیز از انرژی هسته‌ای، نیازمند تأیید این یا آن کشور نیست و هرگونه فشاری برای تضعیف این حق دخالت آشکار و قلدانه در امور داخلی کشورهای مستقل است. بر طیل جنگ کوبیدن و مانورهای نظامی تحریک آمیز نظامی تنها بازی با آتش است که می‌تواند عواقب فاجعه باری برای کل منطقه و جهان به همراه داشته باشد. مخالفت و بسیج کارزاری جهانی در مخالفت و به منظور مقابله با این سیاست‌های مخرب مسئله‌ای فوری و حیاتی است. محافل مدافع صلح، دموکراسی و پیشرفت در جهان می‌توانند و ضروری است که کارزار موثری را در مدمومیت و مقابله با سیاست‌ها و اقدامات تحریک آمیز و نهایتاً خطرناک سران دولت اسرائیل و متحدان اروپایی و آمریکایی آنان سازمان دهی کنند. شعار چنین کارزاری می‌تواند دفاع از صلح و تمامیت ارضی ایران و حمایت از سیاست حل اختلافات از طریق گفتگو و مذاکرات سازنده باشد.

پیش گرفتن یک سیاست خارجی فعال برای بسیج افکار عمومی جهان در حمایت از حق ایران و محکومیت دخالت‌های امپریالیستی در امور کشور ما نیازی است مبرم که ما نشانه‌های آن را در سیاست‌های کنونی دولت احمدی نژاد و دیگر سران رژیم نمی‌بینیم. اظهارات تحریک آمیز در جریان کنفرانس "فائو"، در رم، درباره محو شدن اسرائیل از صحنه جهان، و یا اظهارات غلامحسین الهام، سخنگوی دولت، در کم اهمیت جلوه دادن (مجال بودن) خطر حمله نظامی اسرائیل به ایران به عوض اعتراض مستدل به تهدیدات اسرائیل از طریق مراجع صلاحیتدار جهانی و کوشش در جلب نظر افکار عمومی بین‌المللی در مخالفت با تجاوزگری اسرائیل، سیاست‌های کوتاه بینانه‌ای است که نمی‌تواند منافع ملی میهن ما را تأمین کند.

تجربه سال‌های اخیر و چندین درگیری نظامی فاجعه بار در منطقه، که به قیمت نابودی صد‌ها هزار تن انسان تمام شده است، نشان داد که دولت ایالات متحده، بر پایه منافع امپریالیستی و برتری جویانه خود، حاضر است برای کنترل خاورمیانه و خصوصاً کنترل منطقه استراتژیک خلیج فارس دست به هر ماجراجویی، هر چند خطرناک و مخرب، بزند. محافظه کاران نو (تئوکرات‌ها) که کنترل محوری دولت جورج بوش را به دست دارند، در راستای کسب این برتری به صراحت اعلام کرده‌اند که نباید دولت ایران و سیاست‌های آن در منطقه را، خصوصاً در رابطه با عراق، لبنان و فلسطین و حمایت از نیروهای افراطی اسلامگرا، تحمل کرد.

اوج گیری مواضع تهدید آمیز ایالات متحده و اسرائیل در شرایطی صورت می‌گیرد که به نظر می‌رسد مذاکرات حساسی که در رابطه با حل اختلاف نظر دو طرف در جریان است امکان حصول نتایج مشخصی را دارد. مسافرت هیئت نمایندگی گروه "۵ + ۱" به ریاست خاویر سولانا، مسئول امور خارجی و دفاعی اتحادیه اروپا، در اواسط خردادماه به تهران و مذاکرات رسمی او با نمایندگان رژیم در رابطه با بسته‌های پیشنهادی دو طرف، در رابطه با مسئله محدوده و ماهیت تاسیسات هسته‌ای کشور، مسئله مهمی است که نباید در تحلیل شرایط کنونی بی‌تفاوت از کنار آن گذشت. "ویتالی چورکین"، سفیر روسیه در سازمان ملل، در این رابطه می‌گوید: "آنچه ما برای اولین بار پس از مدت‌ها در دست داریم، یک حرکت دیپلماتیک است که بدنبال سفر سولانا به تهران از طریق یک بسته بزرگتر و گسترده تر به دست آمد."

محافل قدرتمندی در اروپا بر پایه منافع خود در رابطه با منابع انرژی خاورمیانه، بازارهای وسیع این منطقه، و دیگر ملاحظات دقیق سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک، که می‌تواند در رقابت با ایالات متحده آمریکا شکل گرفته باشد، از اینکه در یک ماجراجویی جدید در خاورمیانه گرفتار

شوند، ابا دارند و درست به همین دلیل است که بسیج افکار عمومی جهان در مخالفت با آغاز درگیری جدید نظامی می‌تواند تحقق چنین سیاستی را با دشواری رو به رو کند.

ما تمامی محافل صلح طلب، دموکراتیک و ترقی خواه ایران و جهان را فرا می‌خوانیم که متحد و یک صدا مخالفت خود را با هر اقدام ماجراجویانه‌ای از سوی هر نیرویی در رابطه با تحولات کشور ما و منطقه اعلام کنند.

## ادامه مهاجرت دهقانان ...

سیاسی خویش را تحکیم کرده‌اند. واگذاری زمین‌های کشاورزی به این بزرگ زمین داران از عوامل اصلی انحطاط کشاورزی و فقر روزافزون زحمتکشان روستاها است.

خبرگزاری مهر ۶ خرداد ماه از قول معاون صنایع و امور زیربنایی وزارت جهاد کشاورزی نوشت: "تا پایان سال ۱۳۸۵ بیش از ۱ میلیون و ۲۷۹ هزار هکتار از اراضی دولتی، منابع ملی طبیعی به متقاضیان واگذار شده است." در این گزارش روشن نمی‌گردد که زمین‌ها به چه کسانی و به کدام علت واگذار شده و اینکه آیا زمین‌ها پس از واگذاری در چرخه تولید کشاورزی باقی مانده‌اند یا نه؟!

برای روشن شدن ماهیت واقعی چنین واگذاری‌هایی توجه به سخنان معاون تولیدی و کشاورزی سازمان بازرسی کل کشور ضرور و با اهمیت است. خبرگزاری ایسنا ۲۰ خردادماه اظهارات این مقام مسئول سازمان بازرسی کل کشور را انتشار داد که در آن یادآوری شده: "با توجه به تصویب ماده ۳۳ اصلاحی قانونی حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها، مراتع و زمین‌های کشاورزی، زمین‌های واگذاری شده ملی بعد از سال ۱۳۶۵ در صورت عدم احراز شرایط حتی با داشتن سند قطعی هم به بیت المال باز می‌گردند. با توجه به این قانون، در آینده شاهد بازگشت زمین‌های زیادی (توجه کنید زمین‌های زیادی) به بیت المال خواهیم بود که به ناحق به دیگران واگذار شده بود."

بنابراین تشخیص اینکه در تمام این مدت (بیش از ۲۰ سال) زمین‌ها به کدام اشخاص و لایه‌های اجتماعی واگذار گردیده، دشوار نخواهد بود. در این زمینه وضعیت پنبه کاران براساس آمار رسمی گویای حقیقت و ادعای ما است. خبرگزاری ایسنا ۱۲ خردادماه گفتگوی اختصاصی با مدیر عامل اتحادیه پنبه کاران کشور را انتشار داد. در این مصاحبه خاطر نشان می‌گردد: "امسال پیش بینی می‌کردیم، سطح زیر کشت پنبه به دلیل قیمت مناسب این محصول در سال گذشته، حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد افزایش یابد ولی متأسفانه با توجه به نگرانی‌هایی که در مورد کمبود آب وجود دارد احتمال اینکه سطح زیر کشت این محصول ۱۰ درصد کاهش یابد، وجود دارد، با توجه به اینکه برداشت این محصول به صورت دستی انجام می‌شود و با توجه به کوچک بودن سطح مزارع، کشت و تولید پنبه پر هزینه است." سپس در ادامه افزوده می‌شود: "ماشین آلات مکانیزه بسیار گران است و کشاورزان این بخش نیز خرده پا هستند و زمین‌های بزرگ و مرغوب در اختیار این کشاورزان نیست." پرسش اینجاست، زمین‌های مرغوب و بزرگ در اختیار چه کسانی است و چگونه به آنها واگذار شده است و چرا در چرخه تولید نیستند؟ این پرسش ما البته توسط مسئولان رژیم ولایت فقیه بی‌پاسخ مانده است!

مطابق آمار وزارت جهاد کشاورزی بیش از ۸۵ درصد از بهره برداران دارای اراضی خرد و پراکنده هستند و از این رو بخش اعظم اراضی کشاورزی و واحد‌های پرورش دام و ابریان نیز از نظر وسعت پایین تر از مقیاس‌های اقتصادی کشاورزی مکانیزه قرار دارند.

همه آنچه مورد اشاره قرار گرفت، گویای واقعیت روستاها و زندگی دهقانان ایران است. سمت گیری اقتصادی، اجتماعی رژیم ولایت فقیه که متوجه تأمین منافع کلان سرمایه داران، سرمایه بزرگ تجاری و بزرگ زمین داران و به زیان دهقانان است. فقر در روستاها، کاهش سطح زمین‌های زیر کشت و مهاجرت دهقانان به حاشیه شهرها و انحطاط کشاورزی را سبب شده است.

تقویت بخش کشاورزی، تخصیص اعتبارات لازم مالی تشکیل تعاونی‌های روستایی رفع محرومیت‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، حل مساله زمین بسود دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین، راهکارهای اولیه برای برون رفت از این وضعیت فاجعه بار است.

## ادامه مصاحبه "نامه مردم" ...

## نظر شما موفقیت یک نامزد دموکرات در انتخابات چه تأثیری در کاهش تشنج در این زمینه خواهد داشت؟

ج. نظر من این است که احتمال جنگ با چین یا روسیه در آینده‌ای نزدیک بسیار کم است. اما احتمال تعارض در سطوح دیگر زیاد است. برای مثال، مسائل تجاری و رقابت بر سر منابع و ذخایر کماکان به عنوان یک منشا تنش باقی خواهد ماند. هم‌زمان، و تا آنجا که به مسئله چین مربوط می‌شود، تغییرات مثبتی در آمریکا و جنبش کارگری آمریکا در شرف وقوع است. انتخاب اوباما به احتمال زیاد وقوع این تغییرات را تسهیل خواهد کرد. در آینده‌ای کمی دورتر، یکی از وظایف مهم مردم آمریکا و دنیا، وادار کردن امپریالیسم آمریکا به پذیرفتن مسالمت‌آمیز واقعیت تغییر در روابط قدرت بین دولت‌ها و مناطق در سطح جهان است. نباید فراموش کرد که تجربه گذشته نشان می‌دهد که قدرت‌های سلطه‌جو برای مقاومت در برابر موقعیت رو به افول‌شان تمایل به استفاده از زور دارند.

س. رقابت برای احراز نامزدی حزب دموکرات در انتخابات آتی ریاست جمهوری خیلی به درازا کشید، و گاهی نیز همراه با برخوردهای تند بود، اما از لحاظ نشان دادن خصوصیات کلیدی دو رقیب اصلی بسیار جالب بود. رسانه‌ها سعی داشتند این طور نشان دهند که اوباما از حمایت رأی دهندگان سیاه پوست و پولدار برخوردار است، در حالی که رأی دهندگان سیاه‌پولاری کلیتاً به طور عمده از طبقه کارگر و از زنان هستند. به نظر شما رأی دهندگان اصلی به اوباما چه کسانی‌اند؟ آیا امر تبعیض نژادی در آمریکا تا آن حد متحول شده است که اوباما به رغم رنگ پوست و نژادش شانس برنده شدن در انتخابات را داشته باشد؟

ج. اوباما می‌تواند انتخاب شود و حتی شاید با فاصله‌ای زیاد بر رقیبش پیروز شود. رقابت اصلی بین هیلاری کلینتون و باراک اوباما به دو دلیل قابل توجه بود: اول آنکه یک زن و یک آمریکایی آفریقایی‌نسب رقیبان اصلی برای احراز نامزدی حزب دموکرات بودند. این امر در تاریخ کشور ما سابقه نداشته است. دوم اینکه پیش از این هرگز سابقه نداشت که چنین شمار بزرگی از مردم به خاطر رأی دادن به یک نامزد انتخاباتی، این گونه مرزهای نژادی و جنسیتی را پشت سر بگذارند. اینکه بگوییم اوباما فقط نامزد آمریکایی‌های آفریقایی‌نسب است، در حقیقت درست نیست. اوباما نامزد انتخاباتی حزب دموکرات است چون توانست رأی شمار بزرگی از رأی‌دهندگان سفیدپوست را هم به خود اختصاص دهد. در چندین ایالت، که در آنها جمعیت سیاه‌پوستان زیاد هم نیست، اوباما توانست با اختلاف رأی زیادی کلینتون را شکست دهد.

س. آیا اوباما امکان و فرصتی برگشت ناپذیر برای ایجاد تغییر در جامعه آمریکا و نگرش آن نسبت به دنیای خارج ایجاد کرده است، یا آنکه باز هم شاهد حمله متقابل نظم قدیم خواهیم بود؟

ج. به علت وجود روند شکل‌گیری جنبشی توده‌ای که مرکز توجه‌اش انتخابات ریاست جمهوری نوامبر امسال و هدفش تغییر توازن نیروهای اجتماعی و طبقاتی در راستای صلح، امنیت اقتصادی و دموکراسی است، ایجاد دگرگونی‌های متری در آمریکا در شرایط کنونی، از لحاظ سیاسی امکان و احتمال زیادی دارد. اگرچه این تحولی نویدبخش است، اما من به اندازه کافی در سیاست بوده‌ام که بدانم کمتر چیزهایی پیدا می‌شوند که برگشت‌ناپذیر باشند. به نظر من نظم قدیم، در صورتی که در انتخابات پاییز کنترل را از دست بدهد، ناگزیر دست به حمله متقابل خواهد زد.

س. آیا اوباما می‌تواند مظهر نقطه عطفی واقعی در جامعه به شدت تقسیم شده و متفرق آمریکا - سفید/سیاه، آمریکای لاتینی/سفید، فقیر/غنی - باشد؟

ج. به نظر من، بله. خود این واقعیت که اوباما نامزد شده است در واقع نشان دهنده تغییر در شیوه برخوردها و نگرش‌های نژادی است که خودش تغییری بس بزرگ محسوب می‌شود. تبعیض نژادی سلاح اصلی طبقه حاکم

برای ایجاد تفرقه در کشور بوده است؛ بنابراین، روی آوردن رأی دهندگان به اوباما در انتخابات مقدماتی نشان دهنده تغییری ژرف و بنیادی در افکار عمومی مردم آمریکا پیرامون مسئله نژادی است. ناگفته نماند که پیروزی اوباما در انتخابات ریاست جمهوری پاییز آینده، نقطه عطفی در مبارزه ضد تبعیض نژادی و نیز گام بزرگی به جلو در راه پیکار برای برابری خواهد بود.

س. اوباما ادعا می‌کند که خواستار تغییر است، و روشن است که نامزدی او به عنوان یک سیاه‌پوست طلبه فرصت و امکان تغییری مهم و چشم‌گیر در درون جامعه آمریکاست. با توجه به مسائل اجتماعی - اقتصادی موجود، به نظر شما او در چه در زمینه‌ای می‌تواند تأثیرگذار و موجد تغییر باشد و از حمایت توده‌ها برخوردار شود؟

ج. رئیس‌جمهور شدن اوباما ناگزیر بلافاصله همراه خواهد شد با ضرورت رسیدگی به برخی از مسائل حاد اجتماعی - اقتصادی، که نخستین آنها مسئله وضعیت بهداشت و درمان خواهد بود. مسائل و معضلات نظام بهداشتی و درمانی کشور ما امری محوری در رقابت‌های مقدماتی بین اوباما و کلینتون بود. دلیل عمده این وضع هم آن است که ده‌ها میلیون تن از مردم نسبت به وضعیت بهداشت و درمان در ثروتمندترین کشور دنیا ناراضی و عصبانی هستند، و کاملاً قابل درک است که از دولت بعدی انتظار اقدام در این زمینه را داشته باشند. روشن است که اوباما در صورت تلاش برای تصویب لوایح قانونی در ارتباط با مسائل اقتصادی، از قبیل قیمت بنزین، بیکاری، و قراردادهای صنفی، که اثری نامطلوب بر زحمتکشان در سراسر جهان دارند، از حمایت توده‌ای برخوردار خواهد بود.

س. دولت بوش برای برآوردن هدف‌هایش در درون کشور و در سطح بین‌المللی، از روان‌شناسی ترس و تعصب مذهبی استفاده کرد. اوباما چگونه می‌تواند این ذهنیت ویرانگر و به گونه‌ای سلطه‌گرایانه را در درون آمریکا عوض کند؟

ج. اکنون مدتی است که این وضع در حال تغییر است. سیاست ترس و تفرقه که نماد دولت بوش بوده است، دیگر مثل سابق بُردی ندارد. در کارزار انتخابات مقدماتی، اوباما سیاست نفرت، ترس و هراس‌افکنی بوش و هواداران او را مستقیماً به چالش کشید. مردم هم به این فراخوان که تأکیدش بر وحدت، زندگی شرافتمندانه، عدالت و امید بود، واکنشی مطلوب نشان دادند.

س. اوباما با جنگ عراق مخالف بود. او اعلام کرده است که برنامه او برای کنار کشیدن آتی از عراق با برنامه نامزد جمهوری خواهان تفاوت دارد. اما درست پس از آن، همین اواخر او در کنفرانسی شرکت کرد که لابی‌پرداز اسرائیل برگزار کننده آن بود، و در آنجا به طور آشکارا به حمایت از دولت اسرائیل سخن راند. به نظر شما سیاست خارجی دولت اوباما تفاوت قابل توجهی با سیاست‌های دولت بوش خواهد داشت؟

ج. تردیدی نیست که ریاست جمهوری اوباما تغییراتی، و آن هم تغییراتی چشمگیر، در سیاست خارجی آمریکا به همراه خواهد آورد، از جمله و پیش از هر چیز در مورد بیرون بردن مرحله‌ای نیروهای نظامی آمریکا از عراق. البته عده معدودی هم هستند که طرفدار حضور دراز مدت نظامیان آمریکایی در عراق‌اند. ولی در نظر مردم آمریکا، و حتی بخش‌هایی از طبقه حاکم، اشغال عراق فاجعه‌ای تمام عیار محسوب می‌شود. و اما در مورد ایران، اگرچه مادامی که بوش در کاخ سفید است نمی‌توان اقدام نظامی بر ضد ایران را به طور کامل منتهی دانست، ولی خیلی بعید به نظر می‌رسد که اوباما رئیس‌جمهور دست به چنین اقدام نامستولانه‌ای بزند. به همین منوال، بعید است که اوباما همان سیاست‌های کنونی را در ارتباط با مناقشات اسرائیل - فلسطین دنبال کند. تصور اینکه او همان چراغ سبزی را به دولت اولمرت نشان خواهد که دولت کنونی نشان می‌دهد، دشوار است.



## مصاحبه «نامه مردم» با رفیق «سام وب» صدر حزب کمونیست آمریکا

پیروزی بزرگ و شکننده بر جمهوری خواهان زمینه و فضای تازه‌ای را برای مبارزه جنبش مردمی فراهم خواهد کرد

با توجه به تأثیری که سیاست‌های امپریالیسم آمریکا بر رویدادهای جهانی دارد، و با نزدیک شدن به پایان دوران هشت ساله حکومت راست‌گرایان افراطی در قالب دولت جورج بوش - که پیامدهای فاجعه‌باری برای مردم آمریکا و جهان داشته است - بار دیگر انتخابات ریاست جمهوری این کشور مورد توجه جهانیان قرار گرفته است. رقابت طولانی بین باراک اوباما و هیلاری کلینتون برای احراز نامزدی از سوی حزب دموکرات در انتخابات ریاست جمهوری پائیز امسال، استقبال کم‌سابقه و گسترده توده‌های وسیع مردم آمریکا از رقابت‌های مقدماتی بین این دو، و اینکه احتمال رئیس‌جمهور شدن یک سیاهپوست برای نخستین بار آشنایی با دیدگاه‌های نیروهای مترقی آمریکا در این ارتباط، نامه مردم مصاحبه‌ای با رفیق سام وب، صدر حزب کمونیست آمریکا ترتیب داد که در زیر آن را می‌خوانید.

این پشتیبانی صرفاً جلوگیری از پیروزی نماینده جمهوری خواه برای یک دوره دیگر است، یا آنکه با اتکا به حمایت طبقه کارگر آمریکا از هر کدام از نامزدهای دموکرات، انتظار می‌رود تغییری در وضع پدید آید؟

ج. ما در ضمن آنکه هیچ یک از نامزدهای دو حزب رقیب را تأیید نمی‌کنیم، اما خود را بخشی از یک جنبش بسیار بزرگتر (با طبقه کارگر در پیشاپیش آن) می‌دانیم که هدفش از یک سو شکست قطعی مک کین و نامزدهای جمهوری خواه کنگره، و از سوی دیگر برگزیدن رئیس‌جمهوری از حزب دموکرات و انتخاب اکثریت بزرگتری از حزب دموکرات‌ها به نمایندگی کنگره است. بیشتر از ۳۰ سال است که زحمتکشان و متحدان شان مبارزه‌ای تدافعی را بر ضد راست افراطی و شرکت‌های فراملی به پیش می‌برند. پیروزی بزرگ و شکننده بر جمهوری خواهان زمینه و فضای تازه‌ای را برای مبارزه جنبش مردمی فراهم خواهد کرد. به عبارت دیگر، جنبش در وضعیت تهاجمی قرار خواهد گرفت. مبارزه کماکان ادامه خواهد داشت، اما در شرایطی بسیار بهتر.

س: ایالات متحد آمریکا خود را برای برگزاری انتخاباتی بسیار حساس و سرنوشت‌ساز در نوامبر امسال برای فرستادن رئیس‌جمهوری تازه به کاخ سفید آماده می‌کند. موضوع‌ها و مسائل کلیدی و عمده‌ای که در این کارزار انتخاباتی محور مبارزه خواهند بود، کدامند؟

ج: بی‌تردید اشغال عراق و سطح زندگی زحمتکشان دو مسئله‌ای هستند که اهمیت مرکزی در این انتخابات خواهند داشت. در انتخابات میان‌دوره‌ای دو سال پیش، مسئله اشغال عراق در مرکز بحث‌ها و کارزارهای انتخاباتی قرار داشت که در نهایت منجر به آن شد که جمهوری خواهان شمار قابل توجهی از کرسی‌های کنگره را از دست بدهند و به دموکرات‌ها واگذار کنند.

اما در این انتخابات، تهاهی اقتصادی کشور و آثار و پیامدهای آن به مسئله اصلی تبدیل شده است. نرخ بیکاری مرتب رو به افزایش است، قیمت بنزین و مواد غذایی پیوسته افزایش می‌یابد، دستمزدها ثابت مانده‌اند، بدهکاری‌های مصرف‌کنندگان به سطحی غیرقابل تحمل نزدیک می‌شود، ده‌ها میلیون آمریکایی فاقد بیمه‌های درمانی‌اند، و ناتوانی در پرداخت وام‌های مسکن از سوی مردم ادامه دارد. از اینها گذشته، کساد اقتصادی دوره کنونی با تضعیف اقتصادی دراز مدت ایالات متحده آمریکا در هم گره خورده است.

جای تعجب نیست که امروز ده‌ها میلیون تن از مردم آمریکا به این که دولت بوش برای تخفیف شرایط وخیم زندگی زحمتکشان و به ویژه زنان و اقلیت‌های نژادی کاری خواهد کرد، یا اصلاً اعتمادی ندارند یا کم اعتمادند. به همین دلیل، این مردم روی رئیس‌جمهور بعدی و کنگره جدید حساب می‌کنند که به وسیله اقدام‌های قانونی (همراه با بیرون آوردن نیروهای نظامی از عراق) گشایشی در زندگی میلیون‌ها مردمی ایجاد کنند که متحمل صدمات اقتصادی شدیدی شده‌اند.

س: کارگران آمریکا از سیاست‌های برون سپاری شرکت‌های بزرگ آسیب زیادی دیده‌اند. رسانه‌ها تلاش می‌کنند از حساسیت و نگرانی‌های موجه کارگران سوءاستفاده کنند و زحمتکشان آمریکا را برضد کارگران کشوری که کارها به آنجا سپرده می‌شود، برای مثال چین و هندوستان، برانگیزند. به

س: با توجه به سیاست‌های کلی حزب دموکرات آمریکا، دلایل عمده آنکه حزب کمونیست آمریکا و نیروهای مترقی ایالات متحده آمریکا از نامزدهای دموکرات حمایت می‌کنند، چیست؟ آیا منظور از

### ادامه در صفحه ۷

#### کمک مالی رسیده

به یاد رفیق افضل‌ی از ایران یک میلیون ریال

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

- آدرس‌های پستی: 1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
آدرس‌های اینترنتی و "ای-میل" "http://www.tudehpartyiran.org  
E-Mail: dabirxhaneh\_hti@yahoo.de

Saturday 21st June 2008

شماره فاکس و تلفن  
پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰  
۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام IRANe.V.  
شماره حساب 790020580  
کد بانک 10050000  
بانک Berliner Sparkasse

Nameh Mardom No. 793  
Central Organ of the Tudeh Party of Iran